



دوره هشتم تقویمیه

جلسه ۶۸

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون تصویب اول اردیبهشت )

جلسه سه شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۱۰ - ۲ شوال الحکرم ۱۳۰۰

قدومت اشتراک سالانه داخله ۱۰۰ تومان  
 خارجه ۱۲ تومان  
 تک شماره : یک قران

مجلسه مجلس

مجلس شورای ملی - تهران

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۱۰ # (۲ شوال ۱۳۵۰)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور لایحه اصلاح قانون دغایات

۳) وقت جلسه - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز سه شنبه دوازدهم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند #

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای ملک مدنی

رئیس - آقای دولتشاهی

**ملک مدنی** (رئیس کبیسیون خریاضی) - عرض کنم در کبیسیون مرخصی ها تصویب شده بود برای این که سایر آقایان هم تذکر ندهند عرض میکنم که مرخصی ها تصویب شده متقا خیرش تقدیم مقام ریاست نشده هم مرخصی آقای دولتشاهی و آقای فرزند و هم سایرین که استجازه کرده بودند تصویب شده است.

**محمد علی میرزا دولتشاهی** - در صورت جلسه اینطور خوانده شد که در جلسه گذشته آقای حسنعلی میرزا دولتشاهی را عاب بی اجازت نوشته اند در صورتی که ایشان مریض بودند و بوسیله خود بنده از مقام ریاست استجازه کرده اند خواستم تقاضا کنم که اصلاح شود.

**رئیس** - تحقیق میکنم اصلاح میشود. آقای فرزند **فرزند** - در جلسه گذشته بنده بواسطه عارضه کسالت نتوانستم شرف حاصل کنم کتباً هم عرض کردم.

**رئیس** - بنده هم همینطور گفتم صکه لابد در جریان کار است. در صورت مجلس دیگر نظری نیست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

# عین مذاکرات مشروح شصت و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقنیه. (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)

دائرة تنه نویسی و تقریر صورت مجلس

# اسمعی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

تقنیه با اجازت - آقایان مدنی - میرزا محمد خان وکیل - حبیب آصف - افغان  
 غزینی بی اجازت - آقایان تیمور تاش - میر فرزند - دستگیر امیر اعظم - استقبالی - میرزا صادق خان اسکندر - آشتیانی  
 اعظم زنگه - طباطبائی وکیل - حاج حسین آقا مهدوی - حسن علی میرزا دولتشاهی - صدوق جهادشاهی - طهرانی - محمد الحسن  
 خان ویا - امیر حسین خان ایخان - حکمت - حسین قلی خان نواب - قوام - حاج قلاصین ملک  
 دیرآند کانی اجازت - آقایان مولوی - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج علی وعلاب زاده - بوعلیری - میرزا شیبانی - آقا زاده  
 سبزواری - محمود قاضی - شریعت زاده - محمد ناصر خان تقنیه

## ۲ - شور لایحه اصلاح قانون دخانیات

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به اصلاح قانون انحلال دخانیات طبع و توزیع شده است مذاکره در کلیات است. آقای ملک مدنی.

**ملک مدنی** - این لایحه دخانیات را در کمیسیون قوانین مالیه آقایان انصاء، کمیسیون اصلاحات زباید کردید و البته با آن لایحه که دولت قدیم مجلس کرده خیلی تفاوت دارد ولی بنفید بنده یک قسمتهای دیگری هم هست که لازمت اینجا تذکر داده شود و اصلاحات هم بردوش بیاید اینک این الحصار را خود دولت اجرا نمی کند و بدست اشخاص خارج و تجار واگذار میکند و بطوریکه دعوای مشاهده شده ما باید اداره انحصار را این جا ملکت کنیم که یک قیمت قطعی برای جنس دخانیات در قانون مین شود که تاجر مجبور باشد بروی آن قیمت خرید کند (یکفر از نمایندگان - صحیح است) برای این که در عمل مشاهده شده اشیاء ابرص انحصار بیک محظورات و مشکلا بر خورده. اگر خود دولت این انحصار را اجرا می کرد بنفید بنده هیچ جای نگرانی نبود زیرا دولت علاوه بر آن که مراعات حال زارع و مالک را کرده باشد البته این انحصار دخانیات و این مالیات مستقیماً بر مصرف کننده تحمیل می شود هر قدر این مالیات را زیاد کند آن کسی که مصرف میکند باید بر او تحمیل مالیات بشود ولی چون خود دولت این انحصار را اجرا نمی کند و موجبات اجرای آن برایش فراهم نیست و واگذار میکند یک عده تجار و اشخاص دیگر این است که باید در قانون پیش بینی شود که آن دستهای که دولت انحصار را به آنها واگذار میکند آنها نتوانند سوء استفاده کنند باین منی که حالا بنده مثال می آورم دولت برای تباکو و توتون یک نرخ مین کرده البته این نرخ از آن تاجر می گیرد و اختیار به تاجر میدهد که در ولایات مختلف خرید کند تجارت هم مخصوصاً اسباب در جاهای مختلف بنده اطلاع دارم با هم تالی کرده اند آن قیمتی که بالاخره بطور ککوک

سابق خرید میکردند از آن کمتر شده زارع و پیچاره یک زراعی را با زحمت تهیه میکند مجبور هم هست که در یک ماه مینوی و بد یک مدت مینوی این را با بازار اداره انحصار باورد و تحویل بدهد خریداران هم یک چند فر اشخاص مین هستند و بد هم آن زارع و پیچاره فروشی دارد که برای تهیه این زراعت رفته پول را فرض کرده بایک فرع مینوی که همه آقایان متلع هستند در اغلب این فضاظ جزء بایک نیست که زارع یا مالک بپزاید برود آنجا و جیبی را که برای زراعت خودش می خواهد تهیه بکند بایک فرع خیلی نازلی و مجبور هستند از سرمایه های محلی بازرعهای سنگین تومانی بک عیسی و پنجشاهی تهیه کنند و بیارود و بعد از آنکه تهیه کرد و آورد به آن قیمتی که برای او تمام شده تاجر خریداری نمی کند و مجبور هم نیست که خرید کند زیرا اختیاری دست خودش است می گوید این در این بابانه هروف آن قیمت نازلی که من تعیین کردم حاضر شد باید بمن فروشد در کمیسیون قوانین مالیه آقایان انصاء تشریف داشتند یکوفتی بنده را دعوت کرده بودند دیدگی از جلسات آنجا بنده عرض کردم که در نتیجه تجربه که از اشیاء این انحصار حاصل کردم باید در این موفی که این لایحه انحصار دخانیات در مجلس آمده پیش بینی کنیم که نظایر پیش آمدی که الان شده و اقدام برای حل آن شده واقع نشود و آن البته قضیه نریک است که همه آقایان مسبقند ما باید کاری بکنیم که این محصولی که بالاخره یک قسمت زیاد مردم از آن استفاده میکنند بر صورت طوری نشود که نصف آن زراعت از بین برود. تباکو و توتون در اکثر ولایات یک قیمت خیلی نازلی داشت که برود در نتیجه رقابتهای که بود قیمتش بالا رفته بود و این لایحه بنفید بنده اگر چنانچه قیمت فروش درش مین نشود نرخ توتون را برود باین می آورد در صورتیکه اگر سابق زارع برای زراعت توتون فرما یک پست تومان خرج میکرد امروز تاجار است چهل تومان خرج که از قسط نظر گرانی عله از قسط نظر عوارضاتی که تهیه شده و کمیسیون آن موقع موافقت کردند آقای

و بر مالیه هم تشریف داشتند که این نظارا عرض کردم که با خودتان این انحصار را اجرا کنید ما هم حرفی نداریم چون مجلس شورای ملی و عامه بدولت و حسن نیت دولت اعتماد دارد یعنی همان طبقه زارع را دولت ملکت است نگهداری کند ولی شما که خودتان اجرا نمی کنید مداخله هم مشاهده کردیم این انحصار و اختیاری را شما از مجلس می گیرید یعنی دولت نام خودش میگیرد و در ضمن حق دارد که بدیگران هم واگذار کند چون آقای وزیر مالیه هم تشریف آوردند بنده می خواهم قسمت اول عرضم را بطور اختصار تکرار کنم که آقای وزیر مالیه هم متوجه شوند اشخاص خارج نمی خرید بالاخره الزامی هم ندارند و او بالاخره خریدار است و میداند که خریدار این جنس هم منحصراً خودش است میگذارد تا خرواری صد و پنجاه تومان را صد تومان بخرد بنده عرض کردم ما باید در قانون نرخ سه ساله اخیر را من قیمت از روی دلائل تجار و در این قانون ذکر شود که تاجر کمتر از آن نرخ خود خرید ندانند باشد حالا اگر زباید خواهد بود ما حرفی نداریم اما اگر کمتر خواست بخرد ملز باشد که باین قیمت خریداری کرده باشد این یک قسمت از عراضی بنده یک قسمت دیگر هم این است که اصولاً بقدری این مالیات را سنگین گردانند که هیچ تاجر ندارد بنده نیتام اداره انحصار طرز این است که چه قدر بر هر من تباکو عوارض وضع کرده باشد خوب است آقای وزیر مالیه اینجا توضیح بدهند این قیمتی که این مین کرده اغلب این قیمتها دوسه برابر قیمتی است که فعلاً خرید و فروش می شود (فلسر) یعنی شما چه برای بر) بعینده بنده هر قدر هم که بفرمایند بر مصرف کننده تحمیل می شود ولی بنده عرض میکنم باز یک تأخیری هم برای زارع و آن کسی که این زراعت را عمل می آورد خواهد داشت خوب است طوری ما در نظر بگیریم که اگر بخواهیم مالیاتهم وضع کنیم یک تناسی داشته باشد منتهی یک برابر آن مثلا یک تونونی است که خرواری صد تومان قیمت دارد یک من یک تومان به آن مالیات بگذرانند. فرض کنید یک

تباری که بروجردی با صناعات خراسان که آقایان مسبق هستند یک من در قران سی شاهی قیمت دارد آتوق یکمن قیمت قران مالیات مین کره ای سنگین است عظیم بنده این است که می خواهم عرض کنم موافقت فرمایند چون این قانون شور اولش است وقتی به کمیسیون بر میگرد یک عده را مجدداً آنجا دعوت کند ما هم یک نظر پائی که داریم بگوریم و آنجا مجدداً اصلاح شود یک نکته دیگر که می خواستیم در اختتام عراضم عرض کنم این است که هیچ فرقی قابل مشاهده بین تباکو شیرازی که یک قیمت خیلی زیاد دارد با تباکو ملیس و نهاوند و بروجرد (یکفر از نمایندگان - شیراز هم یکمن سی شاهی دارد) اینها هر سه را یک قیمت مین کرده اند در صورتیکه آن قیمتش خیلی زباید است و این نازلتر است هر قسمتی را باید مطابق قیمت خودش و اعتماد خودش برای آن مالیات وضع کرد این نظرات بنده خودم است اینجا عرض کنم و امیدوارم مورد توجه آقای وزیر مالیه بشود و شور تانی اصلاح شود.

**وزیر مالیه** - این لایحه دخانیات که به مجلس آورده ام از سر تا پا یک لایحه جدیدی نیست تمام لایحه قدیم دخانیات است باجسی تغییرات که داده شده و آقایان ملاحظه خواهند فرمود لذت لب است یعنی موادش مثل اینکه تباکو را چند طبقه بکند چنانکه در قانون سابق هم نبوده بنفید بنده نظر کردن اسباب ظفر اشکالات موجود می شود. این قانونی که ما به مجلس آوردیم اگر آقایان ملاحظه کنند در لایحه دولت نظر باین بود که طبق بنده توتون را موقوف کنیم و برای نمایان یک مالیات مین کنیم برای اینکه اشکالات زبایدی برای مردم و مالیه موجود است ولی بعد از خیلی گفتگوها در کمیسیون که این آقای ملک تشریف داشتند ملاحظه میفرمودند که این صحبت های که اینجا می شود با شفاف مضاف در کمیسیون شده و تسلیق شده و تحقیق شده و هر جا که ما ملاحظه کردیم مردم با آن اشکالی برای مردم هست و زحمتی برای مردم داریم و اصلاحش ممکن است اصلاح کردیم و قبول کردیم. اما

بد اصل مسئله مالیات اینکه فرمودند این دو سه مسئله می شود یکی این است که اصلاً خوب است یا خیر چیزی بر مالیات موجوده اضافه کنیم یا نکنیم که البته اضافه اصل علت غاییش از میان می رود البته منظور این است که علاوه بر اینکه بعضی اشکالات موجوده رفع شود و بعضی چیزهای غیر قانونی قانونی شود ملحدان داری و غیر آن که اشتباه در قانون سابق ذکر نشده بود و این جا نوشته شده که آنها اخذ می شود قانونی بشود علاوه بر اینها البته باید منظور عمده هم نهایی عایدات است که عایدات زیاد بشود این را آقایان خودشان میباید محتاج توضیح زیاد بنده نیست ملاطفت کنید اگر ما بناباید هر چیزی که بر عایدات مملکت اضافه کنیم یا بکسایم در مورد تحصیل نشود که بشود البته وقتی عایدات اضافه میشود یک تحمیل جدیدی بر مردم میشود خود بخود که دقتی پیدا نمیکند منتهی تحمیلات جدیدی با قدیمه یعنی گرفتن چیزی از مردم را باید حتی الامکان طوری کرد که آن چیز ها بیک زحمت کم است و حصول تسهول تر است و بارش سنگین تر نیست حتی الامکان در این رویه بعد از این میزان و در این مبنی باید کار کرد که تحمیل خیلی زیادی بر مردم و مملکت نشود ولی البته خارج از ما باید بالذات باشد و مملکت ما باید زیاد بشود هیچ مورد بدی نیست که مخرج از عقب برود در عایدات اینکه مملکت در راه نرفی است و هر چه در عایدات بناسیم می کنیم لیست اضافه در این مملکت ده سال بیست سال قبل از این و چود نعلت بسته بیک کهنه قبایل بود که آدم از جیبش در آورد و یکی می یک قبائل دیگر انوقت معرفی کنند به بیستند حتی با کدام است حالا سنند بالکلیت اسباب راجعی مردم میشود البته عدلیه ها در ولایات خود میباشند پست پاستینی روز بروز صومت یکبار سبیل احوال مردم در حال شلواره پراپان به اینها هم نمیتواند قنایت کنیم میباید مردم زیاد بشود هر ساله مرتباً سه نفر اضافه کنیم چهارم بخوارم میفرستیم و مسلماً باید هر سال عایدات بیشتری پیدا کنیم این قابل بحث نیست اگر

ایجاد کرده و کاملاً طبیعی است آنرا در ماخذ صحیح نگاه خواهد داشت اگر یک تجری مال را خر از آنرا میبرد زارع نگاه میدارد بیک تجری که یک قران میبرد میفرستد تا بعد طبیعتش برساند ولی ممکن نیست بلکه محال است که دولت بچیزهایی که در مملکت بفروش میبرد بین افراد مملکت یک نرخی بگذارد خصوصاً برای چیزهای تجاری عمده شاید برای بعضی کولات شهری بلدیهها یک نرخی قرار بدهند ولی برای تمام چیز های مملکت به چیت و ماهوت رهمه این چیز ها که استعمال میکنند یک نرخی بگذارد که مثلاً تاجر بنه را اینقدر بخرد حیوانات را اینقدر بخرد کثیراً را اینقدر بخرد آخرش جز صدقه و تجارت فایده ندارد تجربه شده است که هیچگونه ممکن نیست برای دولت تجارت دولت نرخی تعیین کنند عملی نیست با ممکن است یک فکر دیگری باشد که خود دولت بخرد البته اگر احصاء عملی و فعل جاری میشد و ممکن بود برای دولت این کار را بکنند میگرد و ببرد هم خودش میداد ولی فسلان سلاح دولت در این است که خودی بخرد و نه سلاح مردم برای اینکه اولاً دولت و سائلر را ندارد و سرمایه زیادی میخواهد برای ضبط ولت ابار داری و اینها مأمورین و مستخدمین می حساب و ادارات جدیدی میخواهد که الا ن سائلن فراهم نیست و در این مورد این برای دولت خوب نیست وقتی دولت میخواهد داخل شود یعنی جا جا را بخرد و بعضی جاها را نخرد این مداخله دولت بخدمت خود ذراع تمام میشود و بانها هم فایده نمیدهد برای دولت هم فایده ندارد لهذا ما در ترتیب خرید و فروش و معاملاتی که جاری است دخالت نمیکند و تغییر اساسی در قانون ندیدیم قانون همان است که بوده است چیز اینکه جریمه و جزا و مجازات قانقاری آنها را مشروط و مرتب کرده است و بعضی چیز های جزئی که در مشاهده ما بوده است قانونی کرده است و البته برای نرخی و تنبا کو و اینها یک ترتیبی داده است که هم فایدهات دولت زیاد میشود و هم تحمیل زیادی بر مردم نمیشود

دولت - آقای افتخار

میرزا حسین خان افشار - قبیل از اینکه

بنده وارد اصل مطلب دوم میروم بنده این نکته را عرض کنم که نفس بزرگی که از ترتیب قوانین ما بنظر می رسد عدم ثبات و تغییرات متوالیه آنهاست بنده میخواهم اینرا درست بفهم که آیا در موقع پیشنهاد از طرف دولت یا در موقع تصویب از طرف مجلس درست در اطراف قوانین وقت نمیشود و یا اینکه با بنده نماند ناشی از بی ثباتی است که عمر قوانین ما کوتاه بوده و هر دو سال یک مرتبه قوانین ما دچار تغییر و تبدیل میشود و البته مغزات اجتماعی و اقتصادی این قضیه بقدری روشن است که بنده نمیخواهم اینرا شرح داده و باعث تصدیع خاطر مبارک نمایانمگان محترم بشوم کافی است اینرا عرض کنم که نتیجه این مغزات نه تنها اکثریت قاطع مردم ابداً از وظایف قانونی خود اطلاع ندارند بلکه جریان قانونی که مأمورین جزء دولت هستند آنها نیز از وظایف قانونی بی بهره هستند در ۱۳۰۷ یک قانونی راجع بدخانیات گذشت که در ۱۳۰۹ دومرتبه همان قانون مورد اصلاح واقع شد اعمال نیز مجدداً بلا لایحه دیگری در این موضوع پیشنهاد میشود اگر درست شود وقت بطوریکه خود آقای وزیر اسامی هم فرمودند این لایحه نسبت بقانون جدید هیچ فرق اساسی ندارد هر دو پام و بدست عنوان انحصار کلیه لایههای گزارفی تحصیل محموله و دخانیات میکنند منتهی تغییری که در قانون جدید نسبت بقانون سابق مشاهده میشود همین اضافه کردن مالیات توتون چیت و تنبا کو است و بنظر بنده تنها نکته که در این لایحه ضعیف بنظر می رسد همین نکته است زیرا بطوریکه خاطر مبارک نمایانگان محترم مستحضر است توتون چیت و تنبا کو سال بسال در مملکت کمتر مصرف میشود و همه سال مردم بیشتر توجه بکفین سیگار دارند قلیان که تکلی کشیداش از میان رفته (اورنگ استغفر الله) چیت هم بتدریج از مصرفش کاسته میشود بطوریکه زارین توتون چیت بطوری که بنده اطلاع دارم برای فروش محموله خود کاملاً در حتم

هستند تا اینکه پول ما نسبت سابق پنجاه در صد قیمت خود را کم کرده است یعنی تومانی که سابق ده قران قیمت داشته حالا تقریباً پنج قران سابق شده. و مذاک زارمین تونون چینی عوض اینکه سابق پولی پنج تونون محصول خودشان را بفروختند بنده حساب کرده در قیمت غرب و آذربایجان حالا در حدود سه تونان هم نمیتواند برساند و حتی اغلب زارمین هم که با خود بنده صحبت کرده تصدیق گرفته اند دستن از این بزراعت بکشند و زراعت دیگر را و بیست و چهار خود قرار دهند بطوریکه بنده خود از بزراعت و تجارت این محصول اطلاع دارم و با تجار و زارمین صحبت کردم اما اگر این لایحه که در کمیسیون آقایان عالییه هم اصلاح شده با این کزاقی مالیات بتصویب برسد کاملاً بکشته اعظم زراعت تونون چینی (انسر - و بنا کر) از این رفته و زارمین آن کاملاً بی با خوانده شد و چون در این موقع بحران اقتصادی که در سراسر ایران حکمفرماست و مخصوصاً زارمین بدبخت و فلاحت نمیدانند چه وجه محصول خودشان را بفروشند بنظر بنده اگر این لایحه بتصویب برسد بمنزله حکم اعدام بک سلسله زارمین ایران میباشد ممکن است در جواب گفته شود که این مالیات تحمیل بر زارمین بوده و مصرف کنندگان تحمیل نمیشود ولی کاملاً صرف اشتباه است زیرا اولاً تونون چینی را اشخاص معلولو با بضاعت نمیکند دانشمندان بی بضاعت و در عاصرف میکنند بطوریکه همه آقایان مستخردان (انسر - صحیح است) و بهیچوقت این نوع اشخاص منافق بزرگ این مالیات را ندانند لکن رعیت بدبختی که سالانه خیلی منافع جزئی و قلبی عاید او میشود چه بوجه نتخواهد تو است اضافه عایدی برای مصرف تونون خودش بپردازد و از طرف دیگر بطوریکه آقای ملک مدنی هم با آن زبان فصیح فرمودند تجار در موقع خریداری تونون مالیات را بزارمین تحمیل میکنند چون میدانند که جنس آنها خریدار زیادی ندارد و برای اینکه تجار ضرر هم نکنند مجبورند مالیات را تحمیل بر زارمین کنند و این قضیه را خود بنده در غرب آذربایجان کاملاً مشاهده کردم

توفیقی که پولی شش تونان قبل از قانون انحصار دخانیات فروخته بشمار روز سه تونان هم کسی از زارمین خریداری نمیکند و بطوریکه است که اغلب زارمین اطرافها تصدیق گرفته که دست از این بزراعت بکشند از طرف دیگر از نقطه نظر مالیات گذاری هم این طرز بنظر بنده صحیح نیست باری اینکه باید یک محصولی را پایه مالیات قرار داده گان محصولی داشته باشد و سال بسال بر مقدار مصرف آن افزودنی شود در صورتیکه این محصول یعنی تونون و تنباک و بک محصولی است که سال بسال از مصرف آن کاسته شده و بسیار از آن ت رو به زوال و کسادی است البته که چنین جنس را مورد مالیات کزاق قرار دادن از نقطه نظر مالیات گذاری هم صحیح نیست زیرا که و حقیقتاً هم نمیشود بیش بینی کرد که عایدت دولت از این نقطه نظر چه خواهد شد و بنده تصور میکنم اگر این مالیات را بر تنبکی که پیش بینی شده در این لایحه بتصویب برسد نه تنها دولت اضافه عایداتی نتخواهد داشت بلکه نسبت بزمان سابق عایدات دولت کمتر خواهد شد پس از این نقطه نظر و از نقطه نظر حفظ زارمین بدبخت ایران که کاملاً محتاج تنبکی دولت هستند بنده تقاضا میکنم از آقای وزیر مالیه که این لایحه را منتهی بفرماید و اگر احتیاج دارد بنده اضافه مالیات بک محصول دیگری را مورد مالیات قرار دهنده که هم آن محصول پایه اش محکم تر باشد و هم از این نرود

**مجموعه** ما نداننده محترم یکی از شکایات این بود که قوانینی که ما وضع میکنیم ثبات و دوامی ندارد و در حال تحول است در صورتی که خوب بود تصدیق میکردند که یکی از عساکر کار این است که قوانینی را که وضع میکنیم و بعد از گذارش میکنیم احوال و مایب و مفاسد و مشرتی درش دیدیم تجدد بنظر کنیم و اصلاح کنیم و اگر چنانچه ما نظر به آقا را بخواهیم نایب کنیم باینستی هم بطور به بقرا بر گردیم به بنده این حالت تفرقه را بجا مینویس میشود. از طرف دیگر فرمودند این قانون با قانون

سابق قانونی ندارد مگر در مالیات پس اگر تفاوت ندارد پس این ترس و تردید مورد نداشت که فرمودند میفرمایند که مالیات را زیاد کرده اند بنده گمان نمیکردم بعد از بیانی که آقای وزیر محترم فرمودند که احتیاجات مردم مالیاتی ایجاد میکند که ما بک اضافه عایداتی را تحمیل کنیم و مطالباتی هم که کرده اند هیچ راهی نیستشان نیامد مگر اینکه در مالیات غیر مستقیم که تحمیل بر فرد مردم است و فشارهای زیادی ندارد و مخصوصاً تونون و تنباک و چیزهایی نیست که از اوامر حیاتی مردم باشد این را اضافه کنند و اگر چنانچه اقا عقیده دارند که مالیات ما همان قدر که بوده باشد باینست در مقابلش هم بگوئیم هیچ اصلاحاتی لازم نداریم در حالیکه هر یک از ما از یکطرف میگوئیم نواقص معارفی داریم. با نظرف ادارات عدلیه میخواهیم و همچنین سایر مؤسساتی که جدیداً پیدا شده ما برای محل انتخاب خودمان اردوت مطالبه میکنیم هزار جور و مخارج فوق العاده دیگر هم هست خوب بود نداننده محترم در عین اینکه شکایت داشتند چرا مالیات زیاد شده بک معلول نشان میدهند که دولت از محل چیرا میکنند. میفرمایند که قیمت تونون و تنباک نسبت قبلی از انحصار نرول کرده در صورتیکه همین اظهار را در کمیسیون کرد و در نوبت ادرا انحصار آقای موسس خان بر طبق احصایی که داشتند مدارکی که نشان میدادند مدلل داشتند که قیمت نسبت سابق زیادتر شده (یعنی از نایبندگان - انصاف نسبت اشتباه کرده اند) این اظهاری بود که کردند و اگر چنانچه در بک نقطه باشد ممکن است در نقاط دیگر باشد و در صورت بنده البته بک احصایی جامعه دیگر که میتوان مدلل بدارم که تنباک کوی کرده یعنی تنباک کوی فارس نسبت سابق و همچنین سایر تونون و تنباک و کوا نسبت قبلی از قانون انحصار قیمتش علاوه شده یا کمتر شده اما دولت بک همچو احصایی نشان میدهد و ادعا میکند که قیمتش علاوه شده و ثابت میکند در صورت البته خیلی چیزها است ترقی میکند و قبل چیزها نرول میکند و این بنده برضو قاضا و احتیاج مردم است. میفرمایند این لایحه خوب

میشود که زراعت تونون و تنباک و از میان برود و مردم بدبخت اشتباه نکنند بنده میگویم این اشتباه را بطوریکه میگویم (انشار - انصاف) تونون نکند (یعنی بنظر من فرمودند) انشار - همه زراعتش از میان میرود) (انسر - باینست تاکید) در هر صورت بنده عرض میکنم بر فرض اینکه مردم سابق قایبان میکنند و در آینه سیگار بکشند یا چینی میکنند سیگار بکشند اگر کم انصاف باشد چینی عیب دارد ما با بیایم و بیبرم با گوئیم با بک قانونی وضع کنیم که هر کس چینی میکند من بعد هم به چینی خودش باقی باشد!! با قایبان را بیسیگار تبدیل کند!! لازم نیست که مایب همچو کار میگویند بنده کدامان میکنند که این قانون هم هیچ سده بزراع و تجارت وارد نمیکند (دستی - سر خوردن انصاف نیست) . در اینجا که راجع بقسمت تاجر خودتان هم با اظهارات بنده موافقت فرمودید که بنده عرض کردم شکایاتی که تجار میکنند یکی در این موارد چودر است بواسطه اینکه تاجر اینرا بخرد بیک قیمتی بیک قیمت اضافه تری باید بفروشد زراع هم مادامی که خریدار دارد البته زراعت میکنند و حالا هم ندیده ام که کسی در زراعت تنباک و تونون و غیره پیدا شده باشد.

**نوبت** - آقای روحی

روحی - بنده بیکس بعضی از همکارانم (که شاید این حرمم بر آنها گران یابد) با ایجاد وضع مالیات مخالف نیست ولی چاطر ز مالیاتی ممانطوری که دنیا وضع میکند نه اینطوریکه ما وضع میکنیم البته منی که میخواهد زرقی کند مخارج دارد و مسلماً دولت که مالیات می گیرد خودش که صرف قبول عیش نمیکند صرف چشمه و مردم میکنند برای خوشبختی و سلامت که بتوانیم ما از برای دولت بک عوایدی بدیم که مملکت ما را مثل سایر ممالک دنیا آبادان کند ولی بدبختانه این مالیاتی که ما این چند دوره وضع میکنیم همه متوجه شفا و فقر و بدبختی است حالا شاید قبول نکنند بعضی ها که آن میکنند که در این مملکت آقدرها سرمایه نیست ولی هر چیز البته تناس است از

روی قاسم است. عرض کنم قسمت سرمایه دار مالیاتی که باید حقا بدهند نمیدهند جهت آنکه مراجه بدهید پسار جاهای دنیا از مدعی بجهاد و پنج تا شاید مدعی سی مردمان سرمایه دار سال از اصل عایداتشان حساب میکنند و سهولت مالیات میدهند این جا را ما حساب کنیم یک قسمت مالیاتی است که جهت نقد و شکر است که رعیت میدهند عرض کنم تمام این مالیات متوجه رعیت است مالیات نقد و شکر را هیچ کسانی که بیزداد هستند نمیدهند شاید در روز دنیا جانی هم نخوردند شیر بخورند ولی این رعیت با آن عملة بدبخت مسخ نافتن را باستانا جای میخورند ستاهای بدولت میدهند ملاطفت فرمایند اینها را وقتی که تاسب بگیرند باطلان سرمایه دار بشود اول بشود بیزوجه نمیدهند و این ترتیبی را که دولت بد نظر گرفته است بنیاده بده خوش آید نیست بده موافق دقا هتم و موافق کم مردم حقا باپستی مالیات بدهند ولی باید از کسانی گرفت که عایدات زیاد دارند بشا یک نفر سرمایه دار را و یاد کنید که چقدر بکنند بدهد ننان بدهد بده هم حانم چقدر بکنم ولی تمام رعیتها و بدبختها چقدر میکنند و مدارای این مالیات را و با آنها تحصیل میکنند بدهد عقیدم این است که البته باید دولت بگیرد و منبع عایدات را و یاد کند و از آن مالیات بکشد و بدهد هم حانم شخصاً حانم که اسدی چهل و پنج هم رای میدهند که خود مالیات مالیات مالیات بدهد زیرا آن شخص از امنیت مملکت ازنظام جهان مملکت فایده میبرد و باید حقا پول بدهد مالیات بدهد که مملکت آباد شود بدینوسیله مواقع هم که مالیاتها را تخفیف میدهند باز از دعا گرفت می شود خارتم می آید که دواخر دوره ششم بود دولت مالیات خارتم و اتمام را تخفیف داد و بده خواستند در آن موقع بشهادهای مردم چندی چنجال کردند آقایان بملایقه که نگذاشتند کسی حرف بزند و آن قانون کلدش ولی امر و طولوری شده است یعنی این رعیتها این مالیات را از عیاشیان می گیرند تمام آقایان مالکین این مالیات را از داده نه رعیت پس حالا که این قسم مالیاتها را وضع

می کند دولت باید سهم مالک و زارع و از مین کند نه این که هم ندی کند حالا راجع با اصلاحاتی که در این قانون هست عرض کنم هر چیزی را که ما میاوریم یک مالیاتی ازش بگیریم و یک فرادی برای آن بگذاریم ندر آن متوجه زارع می شود که عمل می آورد مالیات نریاک را هر چه دولت زیاد میکند ناچار ارزانه می خورد این جا هم نتیجه این می شود که ناچار این تباکو با این تونون را اگر یک من یک تومان می خرند اما یک من چهار قران می خورد و آن رعیت بکلی از این من بجزد و نتیجه که از این کار می گیریم نتیجه معکوس است در همه جای دنیا یک ترتیب درزی و انحصار دخیالیت هست و عمل میکنند ولی دولت حالا بیکوپد که ما نمی توانیم این انحصار را عملی کنیم بده نیمانان چناندر دولت نامان سرمایه اش نامان اختیارش نمی تواند این انحصار را عملی کند این چه حرفی است این ترتیبی که قبلا رعیت ترتیب انحصار نیست انحصار آن است که خود دولت تمام محصول را بد نظر بگیرد خودش بخرد، خودش فروشد و عمل یاورد و تقسیم کند بین مردم با یک بخت کم الان بسیار کار با بینید چند کمران می فروشد بیکار فروشها تارخرف هم برین هم گویند باید ناقله در مالیات بدهیم و حال آنکه تاسب فروش او و مالیاتی که میدهند بیزوجه قابل ملاحظه نیست یک نفر بیکار فروش را ملاحظه فرمایید از یک باجری که شصت سال زحمت کشیده سرمایه اش بیشتر است آخر تاکی ناچه وقت مردم باید کرد بخرند الان هم همینطور می شود این مالیاتی که وضع شد در مجلس بر میادند تونون و تباکو را میخرند یک من دو قران و یک مالیاتی هم در دولت میدهند آنوقت چند برابر آن مالیاتی که میدهند قیمت برای آن مین می کند مالیات بر عایدات هم نمی دهند اگر آخر سال بگویند که مدعی هست مدعی سی از این عایداتشان به دولت بدهد اما حرفی بنامدی ولی چیزی نمی دهند این مبالغه را باید بدش بکنند و یک ترتیبی برای آن مقرر شود. عرض کنم یک مسئله دیگر را که بنده میخواستم معلوم شود مسئله قیمت است این قیمت خرید را دولت باید توجه کند و هر ساله مین کند که

رعیت با من چند به ناچار باید فروشد اگر مین بکنیم واقفا یک ظلمی کرده ایم به آن کسانیکه این محصول را عمل می آورند من نمی دانم آقای وزیر مالیه که پیش از همه دلسوزی بحال جامعه بلدند و من حقا حق میدهم که پیش از همه باها ایشان دلسوزی دارند مردم ترازوی بکنند و در کسب و سود خود دوم برتریستی که هست قیمت را معلوم کند با سال سال بدهم عرضی بنامد برای بیجبال مین کند برای بیجبال چهار سال مین کند که معلوم شود رعیت با من چند فروشد اگر این ترتیب را مین کند طوری می شود که رعیت تکلیفش معلوم می شود و الا خریدار هر قیمتی که دلش میخواهد می خورد و وقتی هم حرف بزند بیکوپد مالیات میدهم و بند هم آن جنس را می آورند و شش برابر میفرشند بلکه باید برای خریدار هم قیمت مین کند که چه مقدار بدهد و یک فرادی برایش داد و یک ترتیبی مین کرد که بی اضافی بکنند با اگر ما باید اخلاقی بودیم که کاسب ما تا آن حد قانع بود آن یک چیزی بود ولی ما شایسته هر چه بیشتر بشود بازم قانع نیستند این هم یک عرض بدم. عرض دیگر بده این است که خود این لایحه فرقی نیست تباکو بست و تباکو خرید کاردارند ندمه تباکو یزد یک من دو قران قیمت دارد ولی تباکو حکان فلوس یک من پنج تومان شش تومان قیمت دارد تمام اینها مساوی بیکدیگر مالیات بدهند موافق عدالت است این را باید یک ترتیبی داد باشد موافق عرف است اما دارم از آقایان مجتر فرادشته کسب و سود هم شخص محترم آقای وزیر مالیه که یک توجهی بکنند بر ارضی ما یک قانونی از مجلس پروان بدهیم که هم تحصیل و هم مردم بدبخت نباشند و دولت هم نیلأ آن مقداری که برای مخرج مملکتی می خواهد تحصیل کرده باشد دست یاورد و این نگرانیها از بعضی جهات مرتفع شود.

**تولیع مالیه** - و مطالبی که آقا فرمودند در مرحله اول آنها را جواب عرض کردم و راجع به قیمت مین است دولت یک قیمتی را مین کند این یک مسئله کلی

اسی است که در جلی به تونون بنامد اگر بنا باشد خریداران بیخی تجار باهم نمانی داشته باشند باز قیمت تغییر میکنند و این که حالا انحصار نیست خرید و فروش است انحصار این است که بیکوپد من این قیمت میخرم ولی وقتیکه انحصار نبود چند نفر خریدار هستند آن یکی یک قیمتی میخرد آن یکی بیشتر میخرد آن دیگری یک چیزی زیادتر می دهد تا این که به قیمت حقیقیش می رسد اما آن مدعی و تمام خریداران باهم نمانی کرده و شده اند بی خود و واحد این برای هر چیزی و مین است برای بدهیم میسکن است برای کثیرا هم میسکن است برای حیوانات هم میسکن است برای روغن هم میسکن است پس برای هر چیزی دولت باید قیمت مین کند که تجار از آن کمتر نخرند اصلا تجار را جلوی می شود مجبور کرد که از این قیمت کمتر نخرند اصلا تجار میسکن است نخرند خرید و فروش در مملکت آقای است این بسیار کار مشکلی است و بنظر بنده بدهد نبی آید آن شرعی که آقای روسی در باب مالیات بر عایدات و اینها فرمودند بجای خودش صحیح است و خودشان مسیوق هستند که برای مالیات بر عایدات تقریبا آنقدر در ابتدا مقاومت بوده است حالا دولت یک قدمی توانست است برآورد ولی البته بدینجای جهان دست نمود و مالیات عادلانه و حقیقی و بیغناجه جهان است که بر عایدات مردم نعلق بگیرد ولی راهش را باید پیدا کرد که اسباب زحمت و اشکال فوق العاده برای مردم و دولت نشود در جهات و کالکته دافترشان را بنگار بکنند برای این بود و با بنگار می شود که خیلی ها را می هستند که دافترشان را بنگار کنند که کفو بدهند و آخرش به آنها برسد که مردم از این آبروی موهوم وحشت بکنند و آبروی حقیقی پیدا کنند و آن وقت معلوم خواهد شد که عایدات حقیقی چه مقدار است که دولت زیاد و کم نکیرد و هم برای مردم عادلانه باشد این مسئله البته درجای خود توضیح است یک چیز دیگری را که باید عرض کنم و اینها در جواب آقای افتخار باید گفت که این صحبت در این جا خیلی تکرار خواهد شد و گفته می شود و یک جلسی بنامد که

این مالیاتی که حالا هست اگر بکنایه هم بر این مالیات علاوه کند این زراعت بکلی مدموم می‌شود بنده میگویم که اگر درویش این راهم بگذارد زراعت مدموم نمی‌شود ما ملاحظه کردیم که پلکن هم کم نمی‌شود ما حساب این را کردیم و به مجلس آوردیم و دوازده نفر اعضاء کمسیون هم بودند که سر وقت هم داشتند و علاقه‌مندی هم داشتند خود ایشان هم بودند و این مقدار حدایی است که همین‌قدر و دولت راضی باین مقدار نوبد بالاخره باید یک جالی نرسد که دولت مجبور شود لایحه را پس بگیرد این مقدار قبول شد که عایدات دولت زیاد بود و مالایاتی هم باشد مگر از این باب بود و ممکن بود قبول کردیم و موافقت حاصل کردیم و چنین داشته باشید من ضمانت می‌کنم که پس از یکسال زراعت کمتر ننود و در کمسیون گفتیم که اگر کمتر شود دولت خودی هم بخرد و بدهد بدین که یک مالایاتی بود که دولت نباید دخالت بکند این بود که معروف کردیم ولی باین دارم که هیچ کم نمی‌شود و مراعاتاتی که لازم است است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.  
**ولیس** - آقای درویش جلدی با کیفیت مذاکرات نمائند.  
 بفرمایید.

**فرهاد احمدی** - بنده این لایحه که نسبت بهای خیلی مهمی دارد و با قانون سابق هم چندان فرق ندارد الا دیدن یکجائی که برمالیاتها علاوه شده و بواسطه اینلغات و اطلاعات محلی که هر یک از ماها داریم بنده می‌دانم این است که آقایان اجازه بدهند که یک قیدی بیشتر صحبت شود.

**ولیس** - آقایان بیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

( چند فری برخاستند )

**ولیس** - درویش می‌شود کافی نیست. آقای امیر .  
**امیر** - در ضمن مذاکرات کماهی عباراتی شنیده می‌شود که از موضوع تقریباً خارج است ولیکن جزء موضوع می‌آید و یک چیزهای نسبت داده می‌شود بدینجلس در

موردی که هیچوقت این طور نرود است مجلس در این وقت و پنجاه برای این که احتیاجات دولت را می‌دانست است و احتیاجات دولت را عملی می‌دانست است و مایل بوده است تفریقات هیچوقت کوهانی در مالیات‌گذاری نکرده لراهی که از طرف دولت در ادوار مختلفه آمده قبول شده و خیلی نادر آمان همکنم یک یا دو نفر راجع به مالیات نهم برهه چیز بود که از مجلس پس گرفته شد و اصلاح شد و بعد باشکال دیگری آوردند والا نام مالیات‌ها را مجلس قبول کرده و همه را تصویب کرده‌اند چنانکه پانزده کرور مالیات ۳۳۵ ملاحظه بفرمایید اگر امروز مقابله بفرمایید با تمام عوارضش شاید قریب صد و پست کرور بشود این مبلغ اشیاء ننود و نباید در ضمن مذاکرات باشد غیر ما هم حفاظت‌الصالحه بخوایم هم ادارات بخوایم هم قنونی بخوایم هم مابرف بخوایم و مبدایم که پول از آسمان هم پدیدآید خواهد شد و باید همین مردمی که هستند این مالیات را بدهند در این مسئله هیچکس اشکالی ندارد این را جزو مبلغ هیچکس نکرار نکند و رضای ناکرید و این که فرمودند راجع به مالیات تباکوی طیس یک کسی حرف می‌زند باید جای دیگر را حرف می‌زند از باب این نیست که بنده وکیل محلی هستم چاین که سالار مؤید وکیل طیس است از طیس حرف می‌زند یا امیراعلم از شاهرو و ما وکیل همه جا هستیم از طرف همه مملکت اما اطلاعات محلی غیر از این که اهل آن محل باشد آدم نمی‌تواند آن اطلاعات را داشته باشد بنده راجع به نوتون و شست اطلاع ندارم باید از وکلای رخت پرسیم آنها باید تباکوی خراسان را از بنده پرسند اگر صحبت‌هول می‌شود به این است که ما بخوایم اختصاص از محل خودمان حرف بزنیم غیر برای همه مملکت حرف می‌زنیم ولی چون این قسمت را بیشتر اطلاع دارم راجع به آن صحبت می‌کنم. فست که می‌فرمایند مالیات که اضافه شده مقدار زراعت کم نشده غیر این طور نیست پرسید مخصوصاً بنده از ولیس انتظار پرسیدم در مورد علاوه بر اطلاعات خودم که هزار و سیصد خروار تا هزار و پانصد خروار

طیس تباکو داشته است سابقاً ولی پارسال صد و پنجاه خروار داشته است اردان هر چه که داشته است در سالهای سابق ولی پارسال و پیرارسال یعنی این دوسه سال بقدر رنج و خسوس که پیش داشته کمتر شده است بنده از کیلان اطلاع ندارم بنده‌ایم زیاد شده است پاکت‌تباکوی بروجرود و سست غرب هم همینطور و بعضی از آقایان می‌فرمایند که باین من یک فران رسیده است الا آن نام تباکو‌هایی که در بعضی جاهای خراسان است مخصوصاً در قنات‌های بنده اطلاع دارم بهترین تباکوی مضافات تباکوی شارخوس است خرواری پانزده تومان است بهترین تباکوی تباکوی بیست تومان است خلف است خرواری پانزده تومان است سبزوار حسالی است خرواری ده تومان است اردان خرواری هشت تومان است پادچند خرواری ده تومان زریز ورت نام این‌جاها ده و دوازده و پانزده تومان است ملاحظه بفرمایید نظراراکه در نظر گرفته بودیم برای برانداختن و در سدد مالیات نوبوم تجدید اسمی را گذارده بودند روز اول که این کله برای آن بود که کم بود و مالیات هم زیاد بدهد الا آن چقدر است مالیاتش یک من سی و دو تومان مالیات میدهد و یک من هیجده تومان قیمت آن است که بالاخره مثلا صدی صدی چهل مالیات می‌دهد پانصد صدی شصت است دوازده تباکو نوشته‌اند از ۱۳۱۱ یک من پنجقران مالیات بدهد این تباکو که خرواری هشت تومان است خرواری ده تومان است یک من پنجقران که بدهد خرواری پنجاه تومان می‌شود این صدی پانصد هیچ سم قالی را تا بحال چنین مالیاتی برش نگذاشته‌اند ما عرض نمی‌کنیم که مالیات نگذارند البته دولت برای تفریقات مملکت ملامت وضع بکنند ما از همه زودتر قبول می‌کنیم در کالکشن مخالفت نمی‌کنیم مگر اصلاحاتی در چیزهایی بکنیم بطوری که تجربه بداریم اصلاح شود اما این قومی که باید تباکو مالیات بدهد هیچ متناوب نیست اگر از تباکو که مالیات گرفته شود لافلاف کتابت گرفته شود الا آن چهار پنج دوره است که این مالیات آمده از ۱۳۲۲ تا بحال قانون دخانیات چهار پنج مرتبه تغییر

بر انداختن، بنابراین که بست عرض کردم ایشان جاهائی که کم شده است حاضر است جاهائی که ایشان اطلاع ندارند زیاد شده است فرمایند در حال کم شده است همین صدی پنجاه که عرض کردم بنده حرفی ندارم و بستن هم بدهند ولی پایشن يك نواخت و از روی يك تماشایی بدهند و همین اردال که عرض کردم ارسال هر چه تحقیق کردم که آیا می شود چیز دیگری در آن جا زراعت کرد معلوم شد ممکن نیست چون سنگزار است و دیگر است آخر اینها از بین می رود و تصدیق فرمایند که همانطور که تمام انبای این مملکت و تمام افراد این مملکت از تمام مؤسسات این مملکت بطور مساوی بهره مند می شوند مالیات را هم باید يك تناسب بدهند اگر يك کسی تباکو کاشت قصصی کرده اگر نوتون کاشت تمبک نکرده بنده داللی برای این ندارم.

**وزیر مالیه** - بنده اول عرض کردم اگر نوجوه فرموده بودید عرض کردم که یکی از مقاصد عدله این قانون است این بود که طبقه بندی داشت و ما خواستیم طبقه بندی از میان برداریم تباکو که اصلاً طبقه بندی شده نداشت (مفسر - ما مخالف بودیم) و تا حالا هم جاری بود و هیچوقت هم ما در آن قسمت هیچ اشکالی ننشیدیم اگر چنانچه مصرف تباکو و پغول معروف تباکو وسط در بعضی ولایات کوشیده این بواسطه این است که خود تباکو و خود قلیان کشی در حال انحطاط است و زوال است خصوصاً تباکوهای بد آنها هم که تباکو می کشند اشخاص محترم غالباً مصرف است تباکو شیراز و حکان می کشند این تباکوها را کمتر می کشند تباکو و نوتون شاید هرسال يك مقداری مصرفش کمتر می شود و سیگار زیادتر می شود طبع این کار را کرده است تباکوئی هم که پنجاه می رود البته بیشتر تباکوئی اصفهان است تباکوئی پست شاهرود و طبس پنجاه می رود اصل خود این کار يك اشکالی داشت اصل خود طبقه بندی يك اشکالی برای اداره انحصار فراهم کرده بود فرض کنید نوتون يك جال يك مالیاتی داشت و نوتون جای دیگر مالیات دیگری داشت مثلاً نوتون سفز را می بردند و مستند و از آنها خارج می کردند این کار اشکال زیادی تولید کرده بود و

انحصار دخانیات ولی در ماده سوم می بینند مادام که این انحصار اجرا نشده این شکل باشد وقتی این طور شد این اشکال تولید می شود. این يك موضوع اساسی است که اگر دولت حقیقتاً بخواهد مطابق قانون انحصار رفتار کند هیچ اشکالی ندارد هر طور دلش می خواهد رفتار کند مثلاً ملاحظه فرمایند قانون انحصار قد و مگر را که دولت خودش اجرا کرده است هیچکس حرف نمی زند برای این که به ولایت انحصار عمل می شود ولی ما اینجا اسس را می گذاریم انحصار ولی عملی نیست عرض کنم این يك موضوع اساسی بود که بنده می خواستم تذکر بدهم که این اشکالات از کجا شروع می شود مثلاً ملاحظه فرمایند در ماده اول این قانون تذکر داده شده که تمام ماشینها را دولت بخرد و تا حالا اجازه میداد ماشینها باشد تجاری آمدند سرمایه های خودشان را فرستادند يك کارخانجات آوردند اما جا خالی بود دولت به آنها اجازه می داد کار بکنند لکن این قانون آمده است اینها از این کار ممنوع کرده و اجازه داده می شود دولت بخرد مهم اجباری است که بکلی سلب سلطنت کرده است از مالکین که خود اداره انحصار مقوم فرستد و بخرد اگر حاضر نکرده است نخواست بفرودست ممکن است بکار نیندازد و نخواهد فرودست می خواهد هر شش که در این کار بگذارد کنار. يك نکته را که آقای روسی تذکر دادند آخر هم فرمودند که ما مخالف با وضع مالیات نیستیم این جور تلقی نشود که ما مخالف وضع مالیات هستیم ما که از دولت تقاضا داریم مبالغه را دست بدهد ثبت اسناد را در همه جا وسعت بدهد دایره قضائی را وسعت بدهد صحنه مملکت را در همه جا وسعت بدهد خوب البته پایشن عایداتی هم برای دولت وضع کنیم ولی البته باید آن عایدات مناسب باشد با آن جنسی که ازش ما می خواهیم مالیات بگیریم ولی چون محتاج پول هستیم وایم مالیات وضع کنیم برای يك چیزی که آن ضررش به عقیده بنده بیشتر است بطور مثلاً در کرمان ما دو سه محل داریم که تباکو دارد یکی

برای این کار در کسبوسون مفضلاً صحبت کردم ولی بالاخره برای این که مردم به آن رتیب طبقه بندی عادت کرده اند و حالا شاید برایشان سخت باشد آقایان در این باب خیلی اسرار فرمودند و اهتمام داشتند که از بیان خبری بدهم بالاخره قبول کردم حالا باوردم دوباره برای تباکو طبقه بندی کنیم خیلی اسباب اشکال می شود خودتان مفرمایند شاهرود با طبس با چاهای دیگر که نزدیک طبس است (مال شاهرود را عرض نکنیم) جاهائی که نزدیک هم هستند فرق قیمت دارند پس همین اشکالات پیش می آید این را که فرمودید که فلان چیز ارزشش با مالیاتش باید تناسب داشته باشد همین مقدار است که تا حالا جاری بوده و چیز زیادی هم ما اضافه نکرده ایم ولی چون در آخرش مفرمایند که ما قبول داریم و حرفی نداریم که مالیات دولت همین رتیب وصول شود اگر در این باب ما متفق بشویم که مالیات دولت همین رتیب وصول شود و اشکال زیادی برای اداره انحصار نباشد بنده حرفی ندارم همین است پیشنهاد فرمایند در کسبوسون دقت کنیم خودتان هم تشریف بیاورید ولی حالا که ما میخواهیم يك عیب را رفع کنیم طوری نشود که يك اشکال دیگری بسا تحصیل شود.

ولعی - آقای مؤید احمدی.

**مؤید احمدی** - بنده ضرر میکنم بی نشان اشکالی که در کلیه قوانین پیدا می شود در يك موضوع است و آن این است که ما يك اسمی می گذاریم برای قانون و يك فصدی هم برای اجرای آن داریم اما در ضمن عمل آن اسمش قانون انحصار است منحصراً است بدولت که در همین قانون اجازه میدهم به دولت که عجباً انحصار نیست چون این کار پیش می آید این اشکالات درست می شود حالا بنده نمی دانم رسائل و در دادنه پانها که می خوانم می توانست است تمام تباک دنیا يك اداره زری تشکیل بدهد و مالیات را انحصار بدو بخودش این اشکالات مرتفع می شد (جمعی - صحیح است) لکن این کار را نمیکنند اسسش را می گذارند قانون



پنجاه و نومان بالا رقم دارد مطابق این قانون مالیات بدهند و الا طبقه بندی را بنده تصدیق نمیکند مشکل است چون انواع تنباکو در ذوات مختلفه مختلف است و هر جا يك قسم تنباکو دارد و اگر بخواهیم برای هر جایی يك قسم مالیات وضع کنیم ممکن نیست و عملی نیست همچنانکه در تونون چهار اشکال شده اند و بنده هم اطلاع دارم و اسباب زحمت رعایا میشود ولی معین کنید که تنباکو هائی که تا یکمن چهار قران قیمت است اما معاف کنید ممکن است با صاحبان رجوع کنید تنباکوهای ارزان قیمت خیلی کم است و در صورت چندان به دولت وارد نمی آید و از طرفی آهائی که کران قیمت است این مالیات را بدهند و واقعاً يك چیز دیگر هم هست درست است همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند باید از اشیاء نطننی مالیات گرفت و نمیشود صرف نظر کرد از آن طرف اینرا ملاحظه بنمایند تنباکوی حکان که يك من ده تومان قیمت دارد هست تنباکوی يك من دو قران و ا مالیات بندهم يك چیز درستی در می آید (کارزوری - تنباکوی حکان يك من پنجتومان است) پنجتومان قیمتش باشد تنباکوی شیراز خوب یکمن سه تومان چهار تومان قیمتش است و هفت قران مالیات میدهد و تنباکوی بندك من سه قران است اینها مطابق مع مالیات بدهند این مطابق اصناف و عدالت نیست. به عقیده بنده باید تنباکوی ارزان قیمت را معاف کرد و تنباکوی دیگر متناسب يك مالیاتی افزود.

**رئیس** - آقای توفیق

**توفیق** - بنده میخواهم عرض کنم فرمایشاتشان فرمودند که اگر دولت به معنی اخس انحصار رفتار میکند برای مردم بهتر بود. بنده میخواهم نقطه نظر ایشان را بفهمم که چه مقصودی داشتند همتی اگر دولت به معنای حقیقی انحصار عمل میکرد تحصیل برزراخ کتر میشد؟ یا در مصرف کننده تحصیل میشد؟ بالاخره در ماده چهار دولت معین کرده است که برای هر نرخ تونون و تنباکوی يك تنباکوی را معین کند و این قیمت را تاجر بپردازد برای اینکه بتواند برزراخ

نجاوز نمیکند تمام چیزهائی که هست در مملکت تنباکوهای ارزان قیمت است و اینکه بفرمایند مالیاتش سی شاهی بود حالا بشود هفت قران این طور هم نیست اگر بشانوی ملاحظه فرمایند مالیاتش سه قران بوده که حالا میشود پنج قران و سنوات بعد میشود هفت قران نه این که يك مره ازیسی شاهی به هفت قران ترقی کند. بطوری که فرمودید چون این طور که فرمودید در نظر جاوه میگرد و البته خیلی احصاف بود که از سی شاهی يك مره مالیات را بیابود که هفت قران. ولی در قانون قبل (۳۰۷) سه قران بوده و در حدن جز از سه قران به پنج قران ترقی کرده و دستورات بعد میسرود به هفت قران. در این صورت بقیده بنده همان طوری که آقای وزیر مالیه فرمودند طبقه بندی تنباکو برای هر محلی (چون در محل من تنباکوی نیست قیمتش با تنباکوی نسبتاً خوب تفاوت دارد) اگر بنا شود که طبقه بندی برای تنباکو قائل شویم باید در هر محلی که زراعت تنباکو دارد چندین طبقه قائل بشویم و برای هر طبقه يك مالیات مخصوص قائل شویم تصدیق بفرمایند که این طور طبقه بندی کردن برای تنباکو با اختلاف قیمتی که دارد خیلی اسباب اشکال میشود و برای دولت هم مشکل است به عقیده بنده این شور اول این قانون است و اما اینها هر نظریاتی داشته باشند که کمیسیون و خود آقای وزیر مالیه با نظریاتی که صحیح و نسبت ببرد مفید باشد موافقت خواهند کرد البته تشریف بیاورند به کمیسیون و در اینجا حاضر شوند و اظهار بفرمایند و در کمیسیون حل شود و صحبت شود. (مذاکرات کافی است)

**رئیس** - رأی میگیریم برورد در مواد قانونیکه موافقت دارند قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

**رئیس** - صوب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - حق وارد و صادر کردن و خرید و فروش و تهیه و نگاهداری حمل و نقل اجناس دخانیه و انواع فاخذ سبکبار و متفرعات آن در کلیه مملکت منحصراً بدولت است و این انحصار موسوم بانحصار دولتی دخانیات خواهد بود

و همچنین حق نگاهداری و بیکار انداختن ادوات تونون برزی و ماشین های کاغذ بری و صحافی کاغذسبکبار و کباب ریزی و ماشین های سبکبار و متفرعات آن منحصراً بوسه انحصار است.

موسسه انحصار حق خواهد داشت کلیه ادوات و ماشین های مذکور در فوق را که اجازه نگاهداری و بیکار انداختن آنها را بکسی نداد و همچنین ادوات و ماشین های را که اجازه نگاهداری و بیکار انداختن داده بود سلب نموده از صاحبان آنها گرفته و قیمت آنها را بپردازد.

خریداری ماشین و ادوات مذکور به طریق تقویم در تفرعات از طرف موسسه انحصار و صاحب مال خواهد بود و در صورتیکه صاحب مال حاضر بشود تقویمی که شده است یا شد موسسه انحصار مجاز خواهد بود قیمت ماشین و ادوات مذکور را معادل مبلغی که صاحب مال در اظهار نامه اعلام کرده تعیین نموده باشد تا فیه ده از بیست متعلق وارد کند. یا منظور داشتن تنزل قیمتی که در نتیجه بیکار انداختن آنها تا موقع خریداری حاصل شده بپایان آنها پرداخته و ادوات و ماشین های مزبوره را ضبط نماید.

**رئیس** - آقای وهنما.

**وهنما** - آقای وزیر مالیه بندهمالی کجا تشریف بردند کاش این جا تشریف داشتند و مذاکرات را می شنیدند (یکی از نمایندگان - بیرون جلسه رفتند الان مراجعت میکنند) مسئله قانون انحصار دخانیات اساساً و اصولاً چه از نقطه نظر جنبه مالیاتیش و چه از نقطه نظر این که از این راه دولت می خواهد يك چیزی بر اضافه اعبادت خوش بفرزاید هیچ ضرر و زیانی ب مردم از نقطه نظری که گفته شد وارد نمیشود. ولی اساساً نظر عدل این مسئله مورد بحث است. این جا سه نفر از نمایندگان در یک نظری اظهار کردند نظریات تقریباً خیل درواز هم بوده یکی از نمایندگان فرمودند هر چه مالیات وضع شود بشود. این نظری است که ممکن است

یک نماینده یا هر کسی داشته باشد که اصولاً با مالیات موافق باشد از نقطه نظر ازباید مخارج دولت و ترقیاتی که مملکت میخواهد بکند (انصریح است) این نظر بنده است این یک عقیده است. این عقیده در مقابل این است که غیر. درست است که هرچه مالیات زیادتر گرفته شود دولت را باز میکند برای ارائه اقدامات ولی چون این مالیات ازبیک منبعی گرفته میشود که از آن منبع جمعی باید زندگی کنند و سرشار میشوند بنا بر این منظر است. این هم عقیده مقابل. یکی از نمایندگان لایحه خوانند با اظهار کردند (کریا آقای انتشار بودند) فرزند شفا و وزیر عین ازین مبرود این قسمت را هم آقای وزیر مالیه جواب دادند که از بین نمیرود. حقیقتاً هم همین طور است مثلثاً تونون سیکار چیزهایی بود که مربوط به امداد باشد این یک چیزی نیست که بهسوءت با یک قانون و با سه قران مالیات ازین برود. این ممکن نیست شاید وزیر مالیه ایران حاضر باشد فرضاً به مملکت خودشان و وطن خودشان این کار را بکنند ولی دنیا که این کار را نمیکند شما هر وقت سیکاران را خوب کردید (مدان سیکاری که هزاره تهیه میکنند) چیزی دیگر میخرید مثل اینکه در همین ایران سیکار هم ازینجا میاید و دیگر میشود حالا باید عرض کنم خود چه نظری دارم؟ گفت نه این و نه آن پس خودم چه نظری داری (یک حسکائی بنیست که مناسب نیست بنده در اینجا عرض کنم) بنده در طرز این عمل عقیده اساسی دارم. معتمد که باستانی مالیات باشد. بهترین مالیاتها هم همین است برای اینکه هر جا را بگیرد نفع است. اگر بکشند نفع است. اگر نکشند نفع است. برای اینکه این مالیات بر لوکس است و بر یک چیز زائدی گذاشته شده بر عادت بدی گذاشته شده حالا این عادت بد را ممکن است یک اشراق داشته باشد ممکن است بگفتن رنجبر داشته باشد خوب اگر رنجبر یک عادت بنیعی داشته باشد که چاق میکند و

برای خودش هم مضر است ولی نمیکند. در اینجا یک نر از نمایندگان اظهار کردند که اگر خود دولت بکند و انحصار دست خود دولت باشد خیلی خوب است و ما حرف نداریم (کریا آقای ملک مدعی بودند) چون دست دولت نیست ما محتاجیم. اینجا صحبت های زیادی شد. بنده می گویم این کار مثل هر کار حتی القادیو باید کاری کرد که توسط شرکت ها انجام شود. کار انحصار تونون هر چه هر چه در دولت خودش را کنار بگذرد و این را بگذارد دست شرکت های داخلی یا خارجی خیلی خوب است. خیلی هم متمصب نباید بود که سدی سمش را اکتونون داخلی باشد نه داخلی و خارجی هم داخل باشند طوری نمی شود اگر تازه سدی سمش را هم خارجی داخل کنند تازه بهیچ جای مضر روار دندمشود و در هر حال این را بدهند درست شرکتها. خوب این چه فایده دارد اولاً اینجا آمده اند و دو میلیون اعتبار داده اند و اجازه میخوانند که دو میلیون وزارت مالیه بدهد انحصار که اداره انحصار باین در میلیون مشغول کار شود. این را باید اشراق کنیم که مملکت ما دارای یک سرمایه تنگتنی نیست که برای هر کاری دولت خودش باید و نتواند پیشقدم شود آنگاه این چیست این شرکت نلفن - دو میلیون بگذاریم برای اینکه آن چیست؟ شرکت انحصار. سه میلیون بگذاریم برای آن. فرض کنید (دستی - زغال سنگ) بلی زغال سنگ با صد هزار تومان بگذاریم آنجا - معدن شمشک؛ با صد هزار تومان بگذاریم آنجا - خیابان سازی؛ یک سرمایه هم بگذاریم آنجا - ما یک سرمایه محدودی داریم (هر مملکتی انطور است اختصاص با این ندارد) و این سرمایه را در تمام شئون زندگی مردم وارد کردن و در کار وزارت خاناها و زندگانی اداری و همه جا وارد کردن این صلاح نیست هیچ جای دنیا هم اینکار را نمیکند

سایر ممالک هم سعی میکنند که حتی القادر کار ها را از دست مردم بگیرند و کاری میکنند که مردم سرمایه شان بکار بیفتند. اگر بیژن شان بکار بیفتند عمارشان بکار بیفتند. توانایی شایسته کار میکنند لکن شرکت باشند از شرکت استفاده ببرند نتیجه شرکت را که دیدند همه متوجه میشوند دیگران هم متوجه میشوند و بالاخره مملکت آباد میشود. مثلاً در وقت هفت سال قبل بنده یاد میاید در تمام خیابانهای یکی از شهر های اروپا (پاریس بود له پاریس بود) عکس بگفتن را دیدم که میخواست با نلفن صحبت کند اتفاقاً عکس شخص خیلی چاق و تنومندی را کید میروند اینجا آقایان و کلاسه آدم خیلی چاقی ندارند کید میخورند که آن با استاده بود و عمرق میریفت و هم بیگت هالو روزی شوشه بودند که با میخواستند از این حالت بدبختی خلاص شوند نلفن را از دست دولت بگیرند. این طوری و بیا بیا بگویند برای اینکه میخواستند نلفن پاریس دست دولت باشد و حتی القادر مؤسسات دست دولت نباشد و دست خود مردم باشد تا خود مردم مسئول علاقتند باشند حالا بیا بیا سراغ اینکار که موضوع انحصار باشد. البته اگر وزارت مالیه بیا بیا و بیگت شرکتی را بگذارند و این شرکت را تونون بکند و این دو میلیون را که میخواهد اینجا مصرف کند این را با دو میلیون تو مان دیگر که صرف چیزهای دیگر میکنند صرف اوله کاش طهران بکند و اوله کاش طهران را درست بکند و این را هم بدهد بیک شرکت دیگری و بلو بگوید تو درست کن خیلی بهتر است امروز کار های ما یک پیشرفت مخصوصی کرده. خوب ما امروز از نقطه نظر سجدیه یک زحمتی میکنیم بیک بولگ میرضنازه درست میکنیم ولی از طرف دیگر از جهت آب درخواهی مردم زندگانی مردم همه مترازل است. همه مریض همه ناخوش وسیله هم ندارند و وسایل سعی هم بچائی نمیرسد و این برای این است که ما اساس کار را عمک بگردیم. این در این جا ما باید به پیشینگی که چکار میکنیم دولت خودش با این دو میلیون مستقیماً انحصاری تشکیل

دهد؟ این آقا بد است. می خواهد شرکت و آگادار کند؟ البته باید بدهد. حالا آمدیم سر قبضت - خیلی نظریات هست. بعضی ها نظر دارند که قبضت زیاد است و باید کم شود اینهم بسیار خوب است. یک نظری است. و این یک چیز مهمی در هر حال نیست. برای چه مهم نیست برای اینکه فرضاً سه قران دهشاهی که شده چهار قران خیلی مهم نیست برای اینکه موقعی مهم است که چینه سیکار شما بتوانند با چینه تونون عبدالله یا چینه تونون ساسون رقابت کند این کار ها را با دست خودمان یعنی این اداره تنباکو نمی شود انجام داد آقا. این یک اداره خوب منظم حسابی می خواهد. سرمایه می خواهد. بازار دنیا را باید نگاه کند آتوقت اگر ده پوت این را اینجا میفرودند باید در این فکر باشند که ده هزار فوطی در خارج بفرشند و همینطور هم باید باشد. فرض میکنید انحصار دخانیات که در ترکیه هست با سیکار عبدالله که در مصر است همه آنرا با بصری میفرودند؟ شاید دو یکس را با بصری میفرودند و سایر ممالک میفرودند ما باید این شکل رفتار کنیم. بنده نمیادیم در این قسمت نظر آقای وزیر مالیه چیست ولی اصولاً باید لکن ایشان هم متوجه باین قبیل مسائل باشد برای این که طرز فکر ایشان را هم که می شناسیم اگر مانی دارد خوبت بفرمایند ما هم چیست که مسالو فروشن شود برای آیه این را در نظر بگیرند که حتی القادر این کار ها را با دست خود شرکتها بدهند. سرمایه اگر نیست در مردم تولید میشود در نتیجه سعی عمل. از روز اول هیچکس پول نداشته کار کرده پول پیدا کرده اگر هست بواسطه عمل و کوران و نفع بردن و استفاده کردن و اینکه یک با با بولیهای گذشته را از دهانشان خارج کردن آن سرمایه را بکار و جریان بنیادند در ایران (مملکت ما) یک سرمایه شده است که یک سرمایه اداری که در معمر از تومانی سرمایه است و وقتی که کاوش میبرند جواب میدهد چیزی نیست هفت هشت هزار تومان است. ولی در اروپا مردم سعی میکنند که اگر صد هزار تومان دارند با صد هزار تومان شان دهند. این طرز فکر

ما است در ایران. ما بانک درست نمیکند. این بانک ملی یا ناسیونال چیست؟ ماسمی بکنیم خودش مدیریت اداره اش میزنی بیک شکل فلاکت بار باشد. ولی آنها همی میکنند که بانک سید ملایون فرانک سرمایه اش است بگوید چهار صد ملایون فرانک (دیو) دارم. در برو شود بانک شاهنشاهی می نوسد چهارده ملایون لیره استرلینگ من سرمایه دارم پس این بانک مساوی است که ما باید در نظر بگیریم (نونق - اولی لایحه دخانیات است) در این جا آقای ونوق زیر زبانی فرقری کردند.

**ونوق** - عرض کردم این لایحه دخانیات است در این

قسمت با فرماید.

**رهنما** - آقا بنده در ماده اول می توانم در کلیات یک لایحه صحبت کنم. از کلیات یک لایحه مقصود این است که به نظرات همیدرک آشناشوم (نونق - صحیح است بنظرات جناب امیرالایرادی ندادم) والا شما که موافق هستید موافقت بکنید که انحصار باشد بدست دولت باشد یا بدست اشخاص. مقصود این است که این قبیل قوانین را باید بطوری تدوین کرد که با زندگی مردم تماس پیدا نکند و کاری بزندگی خصوصی مردم نداشته باشد نه اینکه روز بروز مردم را مقید کنیم و تحت فشار بیاوریم حالا اگر آقای وزیر مالیه توضیحی دارند بدهند و شما ما اگر دلالتی دارید بفرمایند.

**ولیر مالیه (آقای نسی زاده)** - وقتی که یک قانونی در مجلس وضع میشود البته مطالب زیادی مستقیم و غیر مستقیم بهمان میاید که بحث میشود. و مطالب خوار مستقیم و مربوط باشد خوار غیر مستقیم بخش عیسی ندارد. مسائلی اصولی بحث میشود که اگر برای این مطلب فائده اش کم باشد برای سایر مطالب فواید کمی دارد. از این لحاظ است که در این بحث اصولی که آقای رهنما در این جا طرح کردند قبل از اینکه جواب عرض کنم ابتدا یک کلمه عرض میکنم که بنده صد در صد با ایشان موافقم البته هر نوع تشویق و تقویتی که ممکن است باید کرد. دست را گرفتار و بلند کردن سرمایه

به حال این عرش را نمیکند که یک چیز بی خلاف عقیده ملی باشد زیرا الحماقه شروع شده و چیز های خوب هم عمل مبادرت - ولی خیال میکند از هر حال کسی بیرون میرود از هر جایش که بتواند بزند "از کوشش چیز بتواند بزند" یا فدرنی خاک نوبش بریزد یا فدرنی چیز قلب لایش بگذارد از همه چیزش میخواهد بزند حتی در آن دکاش هم خیال ندارد سندل بگذارد و میخواهد آرا هم منتفی کنند. کار مرتب معدن این ها نیست.

پس بطور این کار ها باید بشود. دولت بالاخره چاره داشت جز اینکه باید بود و بعضی جاهایا بکش شود یا خودی وارد شود. دولت چون متفردترین مردم مملکت است (دوهر)

حال هم باید باشد) معتقد است که مطابق ترتیب اصولی و مطابق ترتیب و اسلوب زمان باید هر چیزی را عمل بیاورد و درست کند و بدهد دست خود مردم. و هر کسی بخوهد که شریک شود اگر میخواهد حقیقتا بخوهد بخرد دولت با کمال میل حاضر است. عرض بنده نتیجه اش باید بهبودی اوضاع باشد نه بد نتیجه خواهم پروا کاندی برشد ترتیب تجاری خودمان بکنم زیرا بحمد الله ملک هم دارد خوب میشود. ولی چون در مرکز مملکت و قبیله که حرفی گفته میشود همه جا میرسد نتیجه عرض بنده این میشود که آن خیال قدیم و ترتیب قدیم و فکر قدیمی که مردم خیال میکردند از هر چیزی باید ببرد حتی از لباسش حتی از دکاش که در یک چاله چوله در یک کچه پشتند این باید از میان برود. رنگ کاری باید بکنند که نتیجه اش این شود که خفکه بار قدیمی منی دو تومان در خارجه بفروشی میرسد و خشکه باری که الان بترتیب جدید عمل میآید منی ۶ تومان هفت تومان بفروشی میرسد برای اینکه با کت بدیز است. شما وقتی که پوست بره نان را بخارچه میفرستید اگر مطابق اصول صحی عمل بیاورده باشید در کمربت خاله آنجا آنتی میزند. اگر کتیرا را فاضلی کند و عیالی خوب و پاکیزه باشد و وقتی دست رویش بگذارد کثافت و چرک و اینها از تنش بشود و وقتی که بدفقه خریدند

دیگر نمیدهند اگر قالی را یک جایش با نغ یک جایش با پشم و اینها باشد فقط رویش را آرایش بدهند و بفرستند این باعث زکات و نکس ارمنه ملی میشود و این خیالی است به دولت (صحیح است) از این جهت الان شروع شده وزارت اقتصاد ملی تاسیس کرده آید. نه قسمت کرده آید اداره صناعت و فلاحت و تجارت درست کرده آید علاوه بر این دولت از بول خودش (که بول ایشان نیاید بکند و دست گذارده) کارخانه قند سازی درست کرده و فتح رسی و کارخانه فلان درست شده و قتی که مردم بدقول آیدند و با هم با هم شرکت کردند و دارند هم میکنند.

**بوهی** - نمیکذاشتند بکنند آقا

**وزیر مالیه** - آنوقت مال خوب عمل میآید این مال خوب را با مال بد قاطی نمیکند روز بروز سرمایه ملی قوتی میکند دولت هیچ قصدی ندارد حالا در واقع غرض و بهانه ما برای این کار نیست همین مسئله توتون را که فرمودید با چیزهای دیگر حالا انحصار تجارت داریم و توتون هم ممکن است اینجا آورده شود و با مال سایر ممالک اینجا فروخته شود ولی وقتی که ماسیکار خوب داریم (این است که باید سبک خوب عمل آورد) می توانیم به مشتریان خودمان بفروشیم بدینکار هم بفروشد پس نه تنها برای سرمایه ملی و شرکت با دیگران هیچ مخالفتی نداریم حتی بطوریکه در روز نامه ها نوشته اند و آقایان میفرمودند ما مضایقه از این هم ندانیم که با یک سرمایه کیانی خارجی داخل مذاکره شویم و شدیم و حتی اکثر شرایطش با ما مساعد باشد حاضر میباشیم اسباب و آلات جدید بیاورند و ماشین آلات بیاورند و به ترتیب جدید درست کنند ولی بواسطه این که شرایطشان موافق مقاصد ما نبود سر تکرفت والا ما هیچ حرفی ندانیم و موافقت عملی شود. فرساده در کسزار راه وسط برویم بنده آقایان می فرمایند اصلا هیچ شرکت درست نشود بعضی ها میگویند دولت اصلا دخالت نداشته باشد یکی میگویند همه را دولت باید اداره کند یکی هم راه متوسط است که الان در واقع دولت راجع بانحصار فعلی عمل

میکنند. البته اصولاً این یک انحصاری است ولی اگر یک شرکتی درست شود و سرمایه برای بیفکند که این را بطرز خوبی عمل بیابرد دولت حاضر است مالیات را بگیرد و بهیچوجه دیگر کاری نداشته باشد این بود که میخواستیم عرض کنیم این ماده اول که نوشته (انحصاری) است تکرار بهمان عبارت ماده سابق است و انحصار جاری است و این در میلیون پول که خواسته میشود برای موقعی است که اگر بخرد ماشین ها را بخرد یا توتون را بخرد و بفرشود چون در جاهای هم هست که عمل آوردن توتون هم بقیت است چون همان طور که بعضی از آقایان شکایت داشتند و میکنند اگر تاجر بداند که غیر از خودشان خریداری دیگری نیست ممکن است تباهی کرده و رخ را بالا و پایین بیابرد ولی وقتی که دولت اختیار و اعتبار داشته باشد میتواند داخل شود و صد هزار تومان یکجا بخرد و با خرید خودش قیمت ورزخ را بالا ببرد و مردم هم اسیر یک دسته که تباهی کرده اند بشوند. این برای این است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

فهرست - آقای کلالی

امیرنورمحمد کلالی - عرض کنم خلاصه مطلب وجان

کلالی را آقای وزیر مالیه در ضمن بیانات آقای ملک معنی بیان فرمودند که مقصود از این لایحه از زیاد عوارض دولت است. از این قسمت بنده عرضی ندارم اما یک قسمت فرمودند که ساری از زیاد عایدات، ملکات که نمی توانیم دلفینه پیدا کنیم بنده عرض میکنم حضورشان غیر دلفینه می شود و باید پیدا کرد و دلفینه آسان پیدا است و این لایحه و این وضع مالیات بنده نمی دانم تکلیف زراعت توتون و تنباکو در نواحی کیلان و غرب چه خواهد شد البته نمایندگان کیلان و غرب خودشان خواهند فرمود ولی تنباکوی شرق را که بنده میدانم زراعتش یکی از بین می رود بنده خودم یکی از موافقین هدی این قانون بودم درموقعی که در دوره هفتم مطرح شد انحصار دخانیات همان من سه قران که برای تنباکو

حس بشود و آن قانون تصویب نشود در اینجا هم نمایندگان و رقبین در باغ بهارستان و جداً معتمد بودند که این قانون زراعت توتون و تنباکو را یکی از بین خواهد برد ولی بنده خودم جداً اعتراف میکنم که نظریات ما بمدای پیدا نکرد و الان هم توتون و تنباکو زراعت و مصرف میشود و چیز مهمی اتفاق نیفتاده و میفرمایند که به تنباکوی وسط صد صد سید عایدات بسته شد و الان مالیات یعنی حق انحصار تنباکو یک من سه قران است و یک من پنج قران سابق گرفته شود. پس بر سه قران سابق امروز در قران اضافه میشود. اگر میفرمایند که این پنج قران نسبت به سه قران زیاد است باز هم صد سید که نبود. از آنطرف هم ملاحظه بفرمایند از تنباکو یک من پنج قران گرفته میشود اما از توتون یک من سه تومن گرفته میشود. این فرقی را در نظر بگیرید البته دولت تشخیص داده که بایستی یک تخفیفاتی نسبت به تنباکو قائل شود و در هر صورت اگر چنانچه جنابعالی یک نظریاتی دارید و حقیقتاً میدارید آن نظریات را ممکن است اجرا کنیم پیشنهاد بفرمایند میباید بگویم - برون و اطمنان چنان میدهم که در کمیسیون اعضاء کمیسیون شاید پیش از جنابعالی جدیت کردند و یک تخفیفاتی هم داده شده و شاید بعد هم اگر ممکن باشد جدیت کنند که یک تخفیفاتی داده شود

فهرست - آقای دکتر سیمینی

دکتر سیمینی - تصور میکنم قانون انحصار دخانیات یکی از بهترین قوانینی است که به مجلس آمده ولی در صورتیکه بمعنای تن آن وقتار شود از زمانی که دولت شروع کرد باجاری این قانون (جمعی از نمایندگان - بله) در یک شرف های کلی بزراعتی وارد شده در صورتیکه اگر چنانچه معنای این قانون اجرا میشود یک تحمیل بود تحمیلی عمودی داشت اینطور نبود در صورتیکه اینجا بکسی شرف منوجه زراعتین میشود سابق بر این زراعت زراعت خودش را میکرد و مالی که بدست میآید بتجارت میفرشود و خودی از اجرای این قانون انحصار تمام تحمیلات را ولی پس از اجرای این قانون تمام تحمیلات را

له زراعت است و هر چه در دولت با وضیعت حاضره دخالت بکنند بملازمه اگر دولت دخالت کند چه خواهد کرد آیا از این مالیات کمتر خواهد گرفت خیر قانون همین است اگر فشار بر زراعت است همان فشار بقای است و آنگاه چنانچه بر مصرف کننده است همان هم باقی است شاید اگر دولت خواست مداخله کند خوب اطلاع دارد که مأمورین جزء طرز معاملاتشان با مردم از چه قرار است و نظر نمایندگان عزم این است که حتی الامکان سعی بکنند تماس مردم را بامأمورین جزء یا مأمورین دولت یا بالاخره دولت کم بکنند و بنده هم آیداً عرض میکنم این نظرها امروزه نباید ننکند تا مردم کمتر با دولت تماس داشته باشند این هم برای دولت بهتر است و هم برای مردم در هر صورت اگر خیالی دیدید متخیر می ماند که دولت براه وسیله که هست نوانست وسایل اداره کردن را خودش بپردازد که هست نوانست و باید این قانون انحصار اسلحه برای همین است که خوشان هم اعتراف کردند که البته بایستی در اولین روزی که اساس برای ما موجود باشد همینطور بشود .

یعنی از نمایندگان - کافی است .

**دشمنی** - بنده مخالفم .

**ولیس** - نوبه آقای اعتبار است

**دشمنی** - بنده ما کفایت مذاکرات مخالفم

یعنی از نمایندگان - کسی نگفته کافی است

**ولیس** - بفرمائید .

**اعتبار** - هم گفت کافی است

**دشمنی** - بنده در کفایت مذاکرات خواستم یاد تذکری بدهم بعد وارد شود در مخالفت بعد از ختم نطق هر نظامی که سه نفر هوششان میگرد بگویند مذاکرات کافی است ( چند نفر از نمایندگان - کسی نگفت ) آقای احتشام زاده همسایه بنده و یکی دو نفر اظهار کردند غیر هم یک وسیله دارد میگوید این مطالب را پیشنهاد کنید بیرون بکشید و قنیه در کلیات مذاکره است میگویند آقا در مواد صحبت

باید يك اعتباری بگیرد تماس ماشینها را هم بخرد و بهیچکس هم اجازه ندهد سیگار دست کنند خوشی اینکس را بکنند همانطور که در ترکیه هست همانطور که در فرانسه و بعضی از خاک هند برزی را اداره بکنند و این اگر ضرر دارد باز يك قنیه و آواتاری هم دارد باید مثل این است که همانطور که آقا رفیق زاده اینجا اظهار کردند ممکن است شروع بکنند باصلاح زراعت تنباکو باصلاح سیگار و بالاخره سیگار های ایران را مثل سیگار های ترکیه و مصر قبایل کش بکنند و اداره دست بکنند که تنباکو و توتون و سیگار این مملکت را طوری اصلاح کنند که بتوانند آبی جای تریاک ایران را بگیرد ولی اینطور که صحبت کردند بگفته اظهار کردند که دولت پول ندارد و يك مرتبه صحبت کردند که ما میخواهیم دوام این اعتبار بگیریم که اگر تجار خواستند از این بخرد دولت بتواند بخرد اینجا معلوم میشود که نمیتوانند انحصار را عملی بکنند خوب در صورتیکه نمیتوانند انحصار را عملی بکنند علت نداشت که این قانون را بگذرانند قانون انحصار اگر دیدید در قند و شکر اسم انحصار گذاشتن برای این بود که چون از خارج وارد میشد نمیتوانستیم عنوان دیگری برایش قائل شویم ولی این عنوان در مالیات زده کردند بر تنباکو چیز متحکی است ما میخواهیم خودمختار را حقیقه انحصار را عملی بکنند باید سریعاً و علناً آقای وزیر عالی بروند پشت تریون بفرمائید که ما از یکما دیگر از یکسال دیگر از پنجاه تا دیگر خیال داریم که یکی انحصار را عملی بکنیم که در تمام مملکت هیچ اداره هیچ معافه برای سیگار نباید مگر با اجازه دولت آن هم برای فروش والا خود دولت سیگار را عملی باوورد بالاخره برای صدور و اینکه عرض کردم در صورتی است که دولت این تصمیم را بگیرد که سیگار ایران را يك سیگاری بهتر بکند توتونش را بهتر تهیه بکنند بیچیند سیگارش را بهتر بکنند که بالاخره مثل سیگار های سایر ممالک

تهیه شود و بشود کنید و اگر دولت نخواهد انحصار بکند و بخواهد مالیات را زیاد بکند بفرماید بنده لایحه به این عرض و طول لازم نیست اسم انحصار لازم نیست علاوه بر این ها باید دلیل بیاورد که چرا می خواهد مالیات را زیاد کند برای اینکه مالیات زیاد کردن يك دلیل عمکی باید داشته باشد و آن کسر خرج باید باشد وقتی دولت میخواهد مالیات را زیاد کند و يك عایدات جدیدی پیدا کند باید يك لایحه بیاورد بمجلس که ما بوجه مان است و تکالیف نمیکند ما این محتاج پس باید عایدات زیاد شود و الا اگر کسر ندارد و بی جهت بود درآمد که معنی ندارد بمطور اداره مالیه که اول اطلاع کرده اند از غلب نقطه و خیال میکنند امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مثل کار های ماشینها است و آقای کلارونی که خودشان را همیشه یکی از طرفداران طبقه درج اولی می دانستند اینجا باکمال آزادی چون مخیر کمیسیون هستند با میشوند دفاع میکنند بنده عرض میکنم که شما کوش کنید در اطراف این مملکت و ببینید که طبقه زارع در چه حال است بدبخت ترین تمام طبقات این مملکت زارعین هستند ( صحیح است ) عرض میکنم اینجا در ایران ولی اذیم ما هستند ( صحیح است ) اگر زارع نباشد در این مملکت ما پس چه داریم - پس در درجه اول دولت و مجلس شورای ملی باید متوجه حال زارعین باشند و اوقات ما در هر مالیاتی که وضع میکنیم تحمیل بر طبقه زارعین میکنیم اینجا مکرر در همین مجلس صحبت شده است يك عقیده و بنده هم باین عقیده معتقد هستم که حتی الامکان اگر بشود مالیات غیر مستقیم مالیاتی که بزرگت تحمیل میشود بر دارنده بهتر است آنوقت شما روز بروز تحمیلات زارعین را زیاد بکنید بانواع و اقسام مختلف بگذارید بنده هم متخیر کمیسیون بخودم را موظف میدانم دفاع کنم و میشود میگویم چه فندوقی از این بهتر بزرع چه ضروری وارد میآید با ارسال دوره هفتم این قانون را گذرانیدم خیال میکردم که این زراعت از این میرود ولی دیدیم و خودم دیدم که زراعت توتون از این رفت آقای کلارونی

چه بدانند که زراعت نونون زرتیاکو کم ندهد کلام احمادیه  
نکالت داده است که از فاندوسی که در دوره هفتم  
تصویب شده است بیاغریه زراع و طبایع که نونون کارند  
چقدر ضرر وارد شده ایشان چه میدانند ما و مجبوریم  
این حرفها را در کلیات بزبم و بالاخره دولت بک لایحه  
که وارد مجلس و به سرشد بکسیون عرض این نیست  
که این لایحه حتماً بگذرد عرض من این است که در این  
لایحه بحث شود و تصویب شود و وقتیکه نتایج شد بیاورند  
مجلس و دوش گفتند که بالاخره آنکسی که اجازه می  
گیرد برای عرض اجازه ندیگرده که مقابل نیز رئیس مجلس  
اسامی اجازه کردند پنج شش نفر گذارده شود آنوقت  
میفرمایند کافی است و کبابی که اجازه گرفته باید حرفش  
را بزند.

مجلس - اولاً بنامینده محترم عرض میکنم (بعضی از  
نداندگان - بفرمایند پست تریبون) که هیچکس مانع  
صحت داشتن ایشان در مجلس نبود شما ببینید چند ساعت  
است ما در اطراف ماده اول در کلیات صحبت میداریم پس  
اینها که صحبت داشتند لعابنده نبودند حرف زده جواب  
و سؤال نداد کسی مانع شده و اصلاحاتی دوشی که میخواستند  
صحبت بدارند کی گفت صحبت ندارید شاید بک کسی بطور  
مزاح حرفی زده و بگوشان خورد در صورتیکه از طرف  
مجلس گفتند کسی صحبت نکرده بک شرح مرسوم در  
این باب صحبت داشتند خوب البته بداریه مذاکر میکنند  
شرحی هم در بنده تفریق کرد که دولت میکنم عرض میکنم که  
بود و حالاً طرفداران از دولت میکنند میگویم در وقت  
چونک و دراز و مرده همه در حکم نفس واحد همه  
بذل مساعی میکنند برای اصلاح امور اجتماعی خودمان  
(صحیح است) ما که نسبتاً مخالف دولت باشیم  
من اگر موافقت با زراع دارم بجهت موافقت با  
دولت است موافقت با دولت دارم بجهت موافقت با زراع  
است علاوه بر این رفقای محترم من موافق اطلاع دارند که  
بکسیون خیلی خیلی پیش از این سنگ زراع و مردم را  
بسیار زدم (بعضی از نداندگان - در کسیون سنگ نورد)

تالانها هم که ممکن بوده است اصلاحاتی کرده ام ولی  
اینجا وظیفه من این است که دفع از نظر کسیون بکنم  
در انجام وظیفه بنده خیانت نمیکند بکسیون محترمین  
وظیفه داده که اینجا دفاع کنم بنده اینجا خیانت کنم  
نظر شخصی خودم را ترجیح میدهم مجلس را - بخیر کنم  
نمیکند همچو کاری (صحیح است) میفرمایند عرض از  
آوردن این قانون بمجلس چه بوده اینکه فرقی ندادار که  
فرقی ندادار پس این داد و بیداد و گفتگو ها چه چیز  
است پس این حرفها از کجا پیدا میشود چرا در هر چیز  
از مواد یا اصلاحاتی دارد یا بک چیز تازه وارد کرده  
اند که من حیث المجموع مقضی اینطور بود که تمام  
قانون را به مجلس بیاورند و اینطور تصویب شود قدری  
وقت کشید قدری مواد را به بنیاد از حرف قدیمی رو  
بهم و مطالبه بگذارید خواهید دید که بک ماده که  
دوش اصلاحی ندهد باشد وجود ندارد دولت برای هر  
یک از مواد بک قانونی بیاورد که این (ه) را اینجا درست  
کن این (ن) را آنجا درست کن قانون را اینطور بیاورد  
بیانورند اند میفرمایند کارزونی چه احدایی دارد که  
زراعت نونون و تبتیاکو کم ندهد آیا چه احدایی دارد که  
زراعت نونون و تبتیاکو کم ندهد؟ (با حرارت) احدایی  
من احدایی دولت است دولت بچه دلیل احدایی نمی را  
غافل میشود چرا؟ برای چه مقصود؟ نظر کرده دروغ  
نمیگوید نظر کرده بر خلاف واقع نمیگوید؟ احدایی دولت  
نشان میدهد که زراعت نونون و تبتیاکو در این چند سال  
اخیر زیاد شده است من هم اعتبار باین احدایی دارم  
همین احدایی را اینجا اظهار میکنم میگویم در وقت  
زاد شده این است عرض من و در هر صورت ایشان خوب  
اگر چنانچه بکچیز پیشنهاد میکنند بفرمایند بکچیز  
آقا اگر نظر صالح خوبی دارید پیشنهاد بدهید این را  
هم که بگویم کسی هم که مخالف نیست بر تکلیف چیست  
عجب! (خنده نداندگان)  
بعضی از نداندگان - کافی است  
رئیس - کافی است؟

عراقی - خبر بنده مخالفم.  
اعتبار - بنده اجازه خواسته ام  
رئیس - حقوق ذی الحقوق از بین رفتن - بفرمایند.  
عراقی - آذای کارزونی خیلی خوب کردن با حالت  
عبیانی صحبت کردیم قبل از اینکه با حالت عبیانی صحبت  
کنند بنده چه سؤال بودند و جواب ولی با حالت عبیانی  
نمیدانم آنچه هستند یا نه از این جهت عرض میکنم  
مذاکرات کافی نیست بمواد در ماده اول این قانون یا هر  
قانونی که بمجلس بیاید در در ماده اول حق دارد در کلیات  
و سایر مواد صحبت کنند علاوه بر اینکه در خود ماده  
صحبت میکنند در تمام مواد حق دارند و نظیرش را خود  
آذای کارزونی اطلاع دارند که میشود ولی فست زراعت  
نونون بک قسمتی از ایران با بنکار مبتلی هستند این هم  
قانونی است راجع بزراعت نونون. غرب بک قسمت هوش  
ابتلا و باین زراعت دارند تبتیاکو و نونون دارند در خراسان  
همینطور است آذربایجان همینطور است جنوب خوزستان  
همینطور است تبتیاکو دارد (یکی از نداندگان - ما از ندان)  
بلی صفحه ما از ندان دارد این قانون را میخوانیم بک قانونی  
باشد که بکل آن قانون که بفرمایند سال دیگر مجبور میشویم  
بیاوریم عوض کنیم بک بک بک بک بک بک بک بک بک بک  
بهم نزدیکتر باشد در ولایاتی که تبتیاکو کار دارند حضرتعالی  
اگر میفرمایند بنده در قسمت خودمان از صفحه عراقی  
خودمان عرض میکنم که شده بواسطه قانونی که سابق بود  
حالا یا از قاعه بک وضع قانون بود کمتر شده پسر شما  
نمیاید بک مقدمه بک بگوید کم ندهد اگر شما نظراتن به بیان  
و اظهار رئیس انحصار است اگر رئیس انحصار گفته است  
کم ندهد ممکن است او رو بفرماید گفته باندولی آگاهی  
که از ولایات خودشان اطلاع دارند کم شده من در ولایات  
خودمان اطلاع دارم کم شده بنده تقاضا میکنم خسته نشوید  
الزام هم قدری حکماً در این جلسه مذاکرات در  
کلیات کافی شده باشد و ماده اول و دوم وسوم  
تمام شده باشد چند جلسه صرف میکنم برای این کار  
و این قانونت بر جای هرین است که در این مسائل

کمالاً گفت کند میباید کند بدون اینکه حرف میگویم  
موجب عبیانی است یکی باشد و چنانچه خیلی پیش از  
بنده با دولت موافق هستید من از شما با در نظر و واقفم  
همه مان جامه هشتیم که میخوانیم اداره این ممالک  
را بچرخانیم پس نباید حضرتعالی عبیانی شوید و اوقاتن  
تلف شود بنابراین بنده استدعا میکنم مذاکرات کافی نباید  
جلسه دیگر هم داریم کاری ندهد که ما بگوییم مذاکرات  
کافی است.  
رئیس - آقابانیکه با کلیات مذاکرات موافقت فرمایم  
فرمایند.  
(چند نفری برخاستند)  
رئیس - تصویب نهد. آذای اعتبار  
اعتبار - آقایان کمالاً خسته شده اند بنده هم تصدیق  
میکند و لذا تکرار نمیکند مطالب گفته شده و ولی بک  
موضوعی است که باید اینجا عرض کنم آذای وزیر عالییه  
هم درست توجه نداشتند توجه بفرمایند بنده این اشکالی  
که هست چون کم و اصلاح شود. بک ماده هم در این  
قانون هست که بگوید وزارت عالییه اجازت است قروضی  
را که از بانک یکس بازده قران تفاوت نونون نیم کوپر در  
هذه السه تا تاریخ تصویب این قانون بوقت ندوده بمساجیان  
آنها - سرد دارد. بنده میخواستن تریجیه این ماده نهد  
بعضی آقایان برسام که از کجا بالاخره وزارت عالییه دارای  
قروضی شده از تجار و از مردم که حالا آنها بیشتر در  
ماده دو قانون سابق بر این است و مال مال جدید و در  
تأمین و تسویه و سایر کارها بر این و قران و سه قران و پنج  
قران مالیات معین کردیم و شرح قضیه و عملش این بود  
که این نونون را بر وجود حل میشد و بکنم در قران  
مالیاتی را هم میداد ولی مصرف نونون خودستان بود  
مصرف آنجا نیم کوپر میشد بصورت چیکاره بر میگشت و آن  
وقت مطابق قانون سابق که در ماده دو نوشته است نونون  
چیکاره بک من سه تومان بکنم سه تومان از اینها  
میچسبیدند مطالب دیگر ندانم پس از اینکه این قضیه در خوزستان  
در وجود در همدان تمام تجار در این قضیه مداعله

کردند اما اینجا اتمامات کردیم یک دوسه سه و سوه و هجروم  
 دارد و بنده و جواسم استماع کنم از آقای وزیر مالیه که  
 این دوسه را از اداره انحصار بگیرند و ملاحظه میکنند  
 این دوسه چه بود پس از مذاکرات زیاد و بالاخره کمیسیون  
 های زیادی که شد آمدند بالاخره منظور و اوفی کردید برای اینکه  
 آن تریب هم نبوده و مخالف قانون نباشد گفتند آن یکم  
 دو قران و پنجقران که شما داده اید بسیار خوب مالیات  
 را داده اید بقیه را یک قبضه بدهید با آن قبضه را ما  
 مخصوصا در کمیسیون مذاکره شده در آنجا قید شد در  
 صورت مجلس هم نوشتیم که برای اینکه یک راه قانونی  
 داشته باشیم این قبضه را با ما بدهید بجای هم قبول کردند  
 آمدند یک قبضه دادند با اداره انحصار و بالاخره نتوان  
 ای خودشانرا به صرف فروش رسانند و تمام شد حالا  
 این قبضه یکم پنجاه قران همان در آنجا صورت بیکوب  
 به آنها میبخشید این بجای خودش صحیح بنده در خدمت  
 مالیات هم حرف ندارم که یکوم زیاد است کم است  
 مالیات را هم بنده عقیده دارم هفت قران نه قران دوازده  
 قران مالیات بدهند این بنظر بنده اینقدر اهمیت ندارد  
 این نتوان در خود حمل صرف ندارد صرف فروش  
 همینطور که عرض کردم بصورت بیکوب بر میگردد آن  
 وقت بیرون بخورستان بصورت چیکاره میشود اینجا بنده  
 دیدم در قانون اسمی از یکمکوب نبرده اند و وقتیکه بنده  
 خودم خدمتشان عرض کردم فرمودند اسلا از قلم اقتاده  
 در ادبورت نوشته شده و حال اینکه مجبوم قران شده و  
 بیست و چهار قران وید در سال سوم سه تومان نقل شده اند  
 بنده عرض میکنم که نتوانی را که شما نتوانید یک  
 من پانزده قران ازش بگیرد یک محصولی که پانزده قران  
 را نتواند بدهد و شما مطابق ماده که بر کذا میگویند و  
 می بخشید آنوقت چطور مجبوم قران و بیست و چهار قران  
 بدهد اینجا بنده بنظر این است و میخواهم اینجا عرض  
 کنم که اداره انحصار دولت آکتفا بکند به همان مالیاتی که  
 در دست اول از او بگیرد یعنی آن هفت قران و نه قران

هم استعمل میکنند و اگر مالیات ارزان باشد بیهی است  
 صده پونون میگردد و بیشتر آرا داخل میکنند  
 بطور قانیه یعنی بیکارها و چیکاره را وارد میکنند برای  
 اینکه از مالیات فرار کنند اما اینکه مالیاتی برایش وضع  
 شده بنظر شما زیاد میآید این برای این است که سابق  
 بر این فرض فرمائید شش سال پیش از این هفت سال  
 پیش از این پونون بیکارم شش قران هفت قران مالیات  
 میداد آنوقتها سنگین بوده و منتاسب با سایر چیزها  
 آمده اند پنجقران گرفته اند دو قران هم اضافه کرده اند  
 ولی حالا که سه تومان است باز هم قانون بیادرم که  
 پنجقران بگیریم برای اینکه در آهوق سنگین بوده است  
 حالا برای پونون بیکوب ما اینجا عرض میکنم که پانزده  
 قران است و از حالا بیستدال سال یک چیزی زیاد شود  
 اما حالا پانزده قران بیست مالیات حالا سه تومان است  
 و اگر از سه تومان میخواهند مالیات را بالا ببرند چهار  
 تومان هم پنج تومان اول سه تومان را صاف میکنیم  
 مالیات سه تومان را پانزده قران قرار میدهم و بعد  
 سالهای دیگر متناسب با سایر چیزها و پونون و تباکو  
 و نونون و سیگار و سایر محصولات مالیاتی که مالیات  
 بالا میورد این مالیات هم بتدریج بالا میورد اما اینکه  
 در گذشته هم اینها مجبور بودند که برای هر می پانزده  
 قران بدهند و این را تخفیف میدهم بیخشم و معاف  
 تخریف بدهم

میکنم ولی این مانع میشود که سال آینده و نیک سایر  
 نوتروهای دیگر تباکو و سیگار یک چیزی بر مالیات  
 اضافه شود این است که این را بتدریج بالا ببرند حالا  
 بالا میبرد حالا سه تومان است و پانزده قران  
 سال دیگر بشود بعد قران و سالهای دیگر اضافه میشود  
 روسی - کانی است

**رئیس - کانی است** ( گفته شد - کانی است ) پیشنهادی  
 که در اینخصوص شده قرائت میشود

**پیشنهاد آقای مجد شیانی**  
 در ماده ۱ اصلاح ذیل در خدمت خریداری ماشین  
 پیشنهاد میکنم

خریداری ماشین و اجوات مذکور در طبق تقویم دو نفر  
 مقوم از طرف مؤسس صاحب مال خواهد بود در صورت  
 اختلاف حکم مشترک از میان چهار نفر بقرعه و همین تقویم  
 اکثریت قاطع خواهد بود.

**۳ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس - پیشنهاد دست جلسه را ختم کنیم** ( صحبت  
 است ) **جلسه آینده بکند بیست و چهارم همین ساعت**  
**قبل از ظهر دستور لایحه دخلیات**  
**مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد**  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**